

انفاق قرآنی و ابزارهای مالی مناسب آن در عصر حاضر

سیدعباس موسویان

جایگاه و اهمیت انفاق

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ
سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^۱

مثل کسانی که در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه
برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد
چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر دانا است.

انفاق قرآنی و ابزارهای مالی مناسب آن در عصر حاضر

در تمام جوامع انسانی وقوع حوادث طبیعی چون سیل، زلزله، آتش‌سوزی و بروز
مشکلات غیرارادی چون بیماری‌ها، تصادفات، و پدیده‌هایی از این قبیل باعث می‌شود
گروهی از افراد نتوانند نیازهای زندگی خود و خانواده‌شان را تأمین کنند. از جمله راه‌هایی
که دین اسلام، همانند سایر ادیان الهی، برای حل این مشکل توصیه کرده انفاق است.
مسلمانان به مقتضای فطرت الهی و تعالیم قرآنی وظیفه دارند در مواقع خطر و بروز
حوادث به یاری هم‌نوعان خویش شتافته، آنان را در برخورد با مشکلات تنها نگذارند.
خداوند رحمان در آیات متعددی از سوره بقره به این مهم پرداخته، وجود افراد خیر را
همانند دانه‌هایی می‌داند که در زمین مناسبی قرار گرفته و تبدیل به هفت خوشه و هفتصد
دانه شده‌اند و زیبا این که قرآن به جای تشبیه اعمال نیک افراد، خود افراد را چنین بابرکت
معرفی می‌کند و این اوج لطف و عنایت الهی به افراد شایسته است.

شرایط انفاق قرآنی

البته رویدن هفتصد دانه از یک دانه نیازمند دانه سالم، زمین مستعد، زمان مناسب و رسیدگی و حفاظت صحیح و مستمر است از این رو، خداوند در قرآن شرایط انفاق فی سبیل الله را چنین بیان می‌کند.

۱- انفاق به منظور کسب رضای خدا

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۲

و مثل کسانی که اموال خود را برای طلب رضای خداوند و استواری روح خود انفاق می‌کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد و باران‌های درشت به آن برسد [و از هوای آزاد به حد کافی بهره بگیرد]، میوه خود را دو چندان بدهد و اگر باران درشتی نبارد، باران‌های ریز و شبنم بر آن می‌بارد [لذا همیشه این باغ شاداب و پرطراوت است] و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بینا است. این آیه به زیبایی نشان می‌دهد که مؤمنان و انفاق‌کنندگان واقعی کسانی هستند که تنها به خاطر خشنودی خدا و پرورش فضایل انسانی و تثبیت این صفات در درون جان خود، و به منظور بیان دادن به نگرانی‌ها و ناراحتی‌هایی که بر اثر احساس مسئولیت در برابر محرومان در وجدان آن‌ها پیدا می‌شود، اقدام به انفاق می‌کنند.^۳ در نقطه مقابل این گروه، کسانی هستند که به قصد خودنمایی و ریاکاری انفاق می‌کنند. خداوند سبحان با آوردن تمثیلی زیبا، نتیجه عمل آنان را بر بادرفته دانسته، می‌فرماید:

مَثَلُ اُو (ریاکار) همچون مَثَلِ سَنگِ خَارایی است که بر آن، (قشر نازکی از خاک باشد،) و بذرهایی در آن افشاند (شود) و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاک‌ها و بذرها را بشوید) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آن‌ها (ریاکاران) از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند، و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند.^۴

۲- انفاق از اموال طیب و پاکیزه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ

وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا
أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ؛^۵

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بهترین و پاکیزه‌ترین چیزی که به دست آورده‌اید و از آنچه ما برای شما از زمین رویانیده‌ایم انفاق کنید، و سراغ قسمت‌های ناپاک نروید تا از آن انفاق کنید، در حالی که خود شما هم حاضر نیستید (به هنگام پذیرش اموال) آن‌ها را بپذیرید مگر از روی اغماض و اکراه (ناچاری) و بدانید که خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: آیه درباره‌ی کسانی نازل شد که در ایام جاهلیت اموالی را از طریق مکاسب ناپسند به دست آورده بودند و قصد داشتند آن‌ها را در راه خدا انفاق کنند، خداوند آنان را از این کار نهی کرد و دستور داد از اموال پاک و حلال انفاق کنند.^۶ نیز در تفسیر «مجمع‌البیان» از امام علی علیه السلام نقل شده است: این آیه درباره‌ی کسانی نازل گردید که هنگام انفاق خرماهای خشک و نامرغوب را با خرماهای خوب مخلوط می‌کردند و بعد انفاق می‌نمودند، به آن‌ها دستور داده شد که از این کار بپرهیزند.^۷ روشن است که این دو شأن نزول هیچ منافاتی با هم ندارند و ممکن است آیه در مورد هر دو دسته نازل شده باشد، که یکی ناظر به پاکی معنوی و دیگری ناظر به مرغوبیت مادی و ظاهری است.

از آن‌جا که بعضی از مردم عادت دارند همیشه از اموال بی‌ارزش و آن‌چه تقریباً از مصرف افتاده و قابل استفاده‌ی خودشان نیست انفاق کنند و این‌گونه انفاق‌ها علاوه بر این که سود چندانی به حال نیازمندان ندارد، یک نوع اهانت و تحقیر نسبت به آن‌ها است و موجب تربیت معنوی و پرورش روح انسانی نیز نمی‌باشد، این آیه صریحاً مردم را از این کار نهی می‌کند و آن را با دلیل لطیفی همراه می‌سازد و آن این است که، شما خودتان حاضر نیستید این‌گونه اموال را بپذیرید مگر از روی کراهت و ناچاری، چرا درباره‌ی برادران مسلمان، و از آن بالاتر خدایی که در راه او انفاق می‌کنید و همه‌چیز شما از اوست، راضی به این کار می‌شوید.^۸ به عبارت دیگر، هدف از انفاق، آراستن روح و جان به صفت ایثار و گذشت و پیراستن آن از بخل و خست است نه رهایی از دست اشیای بی‌ارزش و از کار افتاده که حضورشان زندگی را از لطافت می‌اندازد.^۹

۳- انفاق آشکار و نهان

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛^{۱۰}

اگر صدقات را آشکار بدهید کار خوبی است، ولی اگر آن‌ها را مخفی ساخته به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است و قسمتی از گناهان شما را می‌پوشاند و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

تردیدی نیست که انفاق آشکار و علنی در راه خدا و اختفای آن هر کدام اثر مفیدی دارد؛ زیرا هنگامی که انسان به طور آشکار و علنی مال خود را در راه خدا انفاق می‌کند اگر انفاق واجب (خمس، زکات) باشد، گذشته از این که مردم تشویق به این‌گونه کارهای نیک می‌شوند، از انسان این اتهام نیز رفع می‌گردد که به وظیفه واجب خود عمل نکرده است، و اگر انفاق مستحب باشد، در حقیقت یک نحوه تبلیغ عملی است که مردم را به کارهای خیر و حمایت از محرومان و انجام کارهای نیک اجتماعی و عام‌المنفعه تشویق می‌کند، و چنانچه انفاق به طور مخفی و دور از انظار مردم انجام شود، به طور قطع ریا و خودنمایی در آن کم‌تر است و خلوص بیش‌تر در آن خواهد بود؛ مخصوصاً درباره کمک به محرومان، آب روی آن‌ها بهتر حفظ می‌شود و بر این اساس آیه فوق می‌گوید هر یک از دو کار، انفاق آشکار و نهان، خوب و شایسته است.^{۱۱} لکن از آن‌جا که پایه اصلی دین و دینداری بر اخلاص است و عمل انسان هر چه خالصانه‌تر باشد به فضیلت نزدیک‌تر است، خداوند سبحان صدقه پنهانی را بر آشکار ترجیح داده می‌فرماید این برای شما بهتر است.^{۱۲} از امام صادق علیه السلام روایت شده است: خداوند فرموده زکات واجب را علنی ولی زکات مستحب را مخفیانه پرداخت کنید.^{۱۳} شاید دلیل آن باشد که زکات واجب یک وظیفه عمومی، معمولی، و دور از ریاست.^{۱۴}

۴- انفاق کریمانه

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛^{۱۵}

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان

(محمفوظ) است، و نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند.

طبق بیان این آیه در صورتی انفاق در راه خدا در پیشگاه پروردگار پذیرفته می‌شود که به دنبال آن منت و چیزی که موجب آزار و رنجش نیازمندان است نباشد. بنابراین، کسانی که در راه خدا بذل مال می‌کنند ولی به دنبال آن منت می‌گذارند یا کاری را انجام می‌دهند که موجب آزار و رنجش است، در حقیقت با این عمل ناپسند اجر و پاداش خود را از بین می‌برند.

آن چه در این آیه بیش تر جلب توجه می‌کند این است که قرآن در واقع سرمایه زندگی انسان را منحصر به سرمایه‌های مادی نمی‌داند، بلکه سرمایه‌های روانی و اجتماعی را نیز به حساب آورده است. کسی که چیزی به دیگری می‌دهد و منتی بر او می‌گذارد و یا با آزار خود، او را شکسته دل می‌سازد، در حقیقت چیزی به او نداده است؛ زیرا اگر سرمایه‌ای به او داده سرمایه‌ای هم از او گرفته است و چه بسا آن تحقیرها و شکست‌های روحی به مراتب بیش از مالی باشد که به او بخشیده است.^{۱۶}

نکته دیگر این که، در آیه شریفه، منت‌گذاران و اذیت کردن، با واژه «ثم» که به معنی فاصله زمانی است به کار رفته و این می‌رساند که منظور قرآن تنها این نیست که پرداخت انفاق مؤدبانه و محترمانه و خالی از منت باشد، بلکه در زمان‌های بعد نیز نباید با یادآوری آن منتی بر گیرنده انفاق گذارده شود، و این نهایت دقت اسلام را در خدمات خالص انسانی می‌رساند.^{۱۷}

۵- پاسخ کریمانه

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ؛

گفتاری پسندیده و گذشت بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال آن باشد، و خداوند بی‌نیاز و بردبار است.^{۱۸}

این آیه منطق اسلام را در مورد ارزش‌های اجتماعی اشخاص و حیثیت مردم روشن می‌سازد و عمل آن‌هایی را که در حفظ این سرمایه‌های انسانی می‌کوشند و ارباب حاجت را با گفتار نیکو و احیاناً راهنمایی‌های لازم بهره‌مند کرده، و هرگز اسرار آن‌ها را فاش نمی‌سازند، از بخشش افراد خودخواه و کوتاه‌نظری که در برابر کمک مختصری هزار گونه زخم زبان به افراد آبرومند می‌زنند و شخصیت آن‌ها را در هم می‌شکنند، برتر و بالاتر

می‌شمرد.^{۱۹} در این راستا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

هنگامی که حاجتمندی از شما چیزی خواست گفتار او را قطع نکنید تا تمام مقصود خویش را شرح دهد، سپس با وقار و ادب و ملایمت به او پاسخ بگویید، یا چیزی را که در دست دارید در اختیارش بگذارید و یا به طور شایسته‌ای او را بازگردانید؛ زیرا ممکن است سؤال‌کننده فرشته‌ای باشد که مأمور آزمایش شما است تا ببیند در برابر نعمت‌هایی که خداوند به شما ارزانی داشته، چگونه عمل می‌کنید.^{۲۰}

مدیریت قرآنی انفاق در عصر حاضر

حال که به برکت انقلاب و جان‌فشانی شهدا و گذشت اینثارگران، دولت و ملت ایران اسلامی و قرآنی شده‌اند، جا دارد اندیشمندان مسلمان و مسئولین امر، بخشی از وقت و اندیشه خود را صرف اجرای یکی از مهم‌ترین تعالیم اقتصادی قرآن یعنی انفاق فی سبیل‌الله کنند و با انتخاب روش‌ها و طراحی ابزارهایی نو و متناسب با زمان حاضر، اهداف الهی را تحقق بخشند. سازمان‌ها و نهادهای دولتی چون کمیته امداد امام خمینی رحمته الله علیه، سازمان بهزیستی، سازمان حمایت از بیماری‌های خاص و برخی مؤسسات خصوصی قابل اعتماد مردم می‌توانند با طراحی ابزارهای مالی مناسب، انفاق‌های ریز و درشت مردم نیکوکار کشور اسلامی را جمع‌آوری کرده به صورت برنامه‌ریزی شده و با مطالعه کارشناسی در محل‌های ضروری و واقعی به شکل آبرومندانه هزینه کنند. در ادامه مقاله یکی از ابزارهایی که با مقداری تغییر می‌تواند ابزار مناسبی برای مطالب پیش‌گفته باشد، مورد بررسی قرار گرفته، پیشنهادهایی جهت اصلاح آن ارائه می‌گردد.

ارمغان بهزیستی ابزاری برای مدیریت انفاق

از جمله ابزارهایی که قابلیت دارد آموزه انفاق را با شرایط و ویژگی‌های قرآنی در جامعه نهادینه کند، اوراق اعتباری از نوع «کارت‌های ارمغان بهزیستی» است که توسط سازمان بهزیستی منتشر شده و در دوره‌های زمانی مشخصی به مردم عرضه می‌شود، افراد با خریدن کارت‌های مذکور وجوه نقدی خود را در اختیار سازمان می‌گذارند تا در خدمات عام‌المنفعه و رسیدگی به محرومان از آن‌ها استفاده کند و سازمان به منظور تشویق مردم، بخشی از وجوه را به قید قرعه به عنوان جایزه به دارندگان اوراق می‌پردازد. لکن متأسفانه

به دلیل بی‌توجهی یا کم‌توجهی، این کارت‌ها به آلات قمار و ابزار ثروت‌های بادآورده (اکل مال به باطل) بیش‌تر شبیه شده است. به نظر می‌رسد با انجام اصلاحاتی در آن‌ها و دقت نظر در تحقق اصلاحات، می‌توان ابزاری کارآمد با ویژگی‌های قرآنی و با رعایت کامل موازین فقهی، طراحی کرد.

اصلاحات ضروری

۱- اصلاح اهداف و انگیزه‌ها

در نظر گرفتن جوایز مادی و سوسه‌انگیز با به‌کارگیری شیوه‌های تند تبلیغاتی که امروزه در کارت‌های ارمغان بهزیستی جریان دارد، انگیزه‌های انفاق و بخشش را در جامعه می‌خشکاند و افراد را به سمت یک قمار بزرگ و تصاحب یک ثروت بادآورده سوق می‌دهد و کم‌تر کسی با هدف کمک به محرومان و مستمندان یا مشارکت در امور خیر و عام‌المنفعه، اقدام به خرید اوراق می‌کند.

بایستی با اصلاح کمی و کیفی جوایز و انتخاب سوژه‌های مناسب تبلیغاتی و اجرای یک سری برنامه‌های فرهنگی، اهداف و انگیزه‌های مردم را به سمت انفاق فی سبیل‌الله و کمک به محرومان بکشانیم؛ به طوری که فرد وجوه خود را نه به عنوان خرید اوراق بهادار، بلکه با نیت بخشش به مستمندان پردازد و در مقابل، کارت ارمغان بهزیستی را به عنوان رسید دریافت کند.

۲- اصلاح سازوکار درآمد - هزینه

سازمان و نهادی که متصدی جمع‌آوری کمک‌های مردمی می‌شود بایستی وجهه‌ی مقبول اجتماعی داشته، از جهت جذب و نگهداری و مصرف درآمدهای مربوطه قابل اعتماد مردم باشد. اولین قدم برای ایجاد فضای اعتماد، داشتن برنامه‌ی شفاف و گویای کاری است؛ به طوری که سازمان مذکور بتواند در پایان هر دوره‌ی مالی گزارش کاملی از میزان درآمدها، هزینه‌های جاری، تبلیغاتی و مصارف را برای مردم ارائه کند و افراد حقیقی و حقوقی ذی‌صلاح با نظارت و کنترل، آن گزارش را تأیید کنند و در قدم بعدی لازم است با به‌تصویر کشاندن خدمات ارائه شده و نشان دادن آن‌ها از طریق تلویزیون و روزنامه‌ها و مجلات اعتماد مردم را افزایش داد. البته در این موارد حفظ آبروی انسان‌های نیازمند و شرافتمند و رعایت شئون انسانی آن‌ها بر همه چیز مقدم است و نباید به بهانه‌ی تهیه

گزارش، شخصیت افراد را لکه‌دار نمود. بر این اساس می‌توان با به تصویر کشیدن مراکز علمی، فرهنگی، ورزشی، دینی، خدماتی، بهداشتی و درمانی که برای محرومین احداث شده و گزارش مکتوبی از هدایای نقدی به مستمندان، با مردم مؤمن و نوع‌دوست سخن گفت، و آنان را برای مشارکت در امر خیر تشویق کرد.

۳- اصلاح ساختاری جوایز

وضعیت فعلی جوایز از چند جهت اشکال دارد:

اولاً، جوایز مورد نظر از محل درآمد اوراق فروخته شده تأمین می‌شود که شبهه قمار وجود دارد؛ چرا که در حقیقت گروهی با خریدن اوراق مذکور پولشان را در یک جا جمع می‌کنند، بعد از طریق قرعه‌کشی بخشی از آن پول‌ها به تعدادی از آنان تعلق می‌گیرد و نوعاً در چنین فرایندی برندگان خوشحال و بازندگان از این که اموالشان به صرف قرعه نصیب گروهی غیرمستحق شده است، ناراضی‌اند. به جهت همین نکته است که وقتی از حضرت امام خمینی از ماهیت بلیط‌های اعانه ملی^{۲۱} که ادعا می‌شد جهت امور خیریه مصرف می‌شود استفتا گردید جواب دادند:

اگر فرضاً یک شرکت یا مؤسسه پیدا شود و برای اعانت به مؤسسات خیریه از قبیل بیمارستان یا مدارس اسلامی بلیط‌هایی منتشر کند و مردم هم برای اعانت این مؤسسات مبلغی بدهند و آن شرکت از مال خودش یا وجوهی که از انتشار بلیط به دست می‌آید، با اجازه تمام پول‌دهندگان مبلغی به اشخاصی که قرعه به نام آن‌ها بیرون می‌آید بدهد مانع ندارد، لکن این مجرد فرض است و بلیط‌هایی که اکنون فروخته می‌شود و قرعه‌کشی‌هایی که اکنون عمل می‌شود به این نحو نیست و پول بلیط و قرعه حرام است.^{۲۲}

در این فتوا حضرت امام راه خروج از قمار و حرمت را در این می‌بینند که یا جوایز از اموال و دارایی خود مؤسسه پرداخت شود و یا این که تمام کسانی که پول داده‌اند اجازه چنین کاری را بدهند، و روشن است که صورت دوم فرضی بیش نیست؛ چرا که به یقین حداقل برخی از کسانی که به قصد برنده شدن اقدام به خرید اوراق مذکور می‌کنند، بعد از قرعه‌کشی هیچ رضایتی ندارند که پولشان به صرف قرعه در اختیار افرادی قرار گیرد. به عبارت دیگر، رضایت آنان موقع خرید همانند رضایت قمارباز قبل از قمار است، یعنی

رضایت به شرط برنده شدن، و وقتی متوجه می‌شوند که برنده نشده‌اند رضایتشان از بین می‌رود. بر این اساس اگر جوایز از محل درآمد اوراق باشد حداقل شبهه قمار وجود دارد. ثانیاً، کمیت و کیفیت جوایز به گونه‌ای است که غالب خریداران اوراق، به تصاحب چند جایزه ردیف اول چشم دوخته‌اند و روشن است که چنین جوایزی نصیب تعداد انگشت‌شماری می‌شود و همیشه بعد از قرعه‌کشی خیل عظیمی خود را بازنده و مال‌باخته تلقی می‌کنند که اثر روانی تخریب‌کننده‌ای خصوصاً روی جوانان دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

- ۱- جوایز از محل بودجه عمومی آن سازمان و توسط دولت پرداخت شود؛ به این معنا که دولت اسلامی جهت نهادینه کردن انفاق و گسترش صدقات، هر ساله جوایزی را برای کمک‌کنندگان به محرومان در بودجه سازمان مربوطه (مثلاً سازمان بهزیستی) در نظر گیرد. در این صورت کلیه وجوه جمع‌آوری شده از طریق توزیع کارت‌ها، به مصرف نیازمندان می‌رسد و هیچ فردی احساس نمی‌کند که وجوه انفاقی او بی‌جهت و به صرف قرعه در اختیار دیگری قرار گرفته است.^{۲۳}
- ۲- کمیت و کیفیت جوایز معقول و متعارف باشد؛ به این معنا که به جای پرداخت مبالغی غیرمتعارف به تعدادی انگشت‌شمار (برای مثال یک جایزه سی میلیون تومانی، چند جایزه ...) تعداد جوایز را افزایش داده مبلغ آن را کاهش دهند و این اگر چه در کوتاه مدت ممکن است اثربخش نباشد لکن در بلندمدت بهتر پاسخ می‌دهد؛ به جهت این که بعد از چند دور قرعه‌کشی و برنده شدن افراد زیادی، این ذهنیت برای خیلی افراد شکل می‌گیرد که امید زیادی برای برنده شدن وجود دارد.
- ۳- سعی شود نوع جایزه با عمل خیرخواهانه تناسب داشته باشد؛ برای مثال، اگر در آگهی تلویزیونی به جای تبلیغات فعلی، وقتی اعلام شود با قرعه‌کشی جوایز دوره ... ارمغان بهزیستی پنج خانواده برای حج تمتع، پنجاه نفر برای حج عمره، و دویست نفر برای زیارت مشهد مقدس و ... برگزیده شدند، قطعاً اثر معنوی بالایی برای جامعه ایجاد می‌کند. نتیجه این که اگر پیشنهادهاى فوق اعمال شود افراد با اهدای بخشی از اموال خود به جهت حمایت از مستمندان برگه‌هایی را به عنوان رسید مشارکت در همیاری ملی دریافت می‌کنند (نه این که خریداری کنند) سپس دولت برای تشویق افراد خیر و نهادینه کردن

انفاق قرآنی جوایزی را به قید قرعه می‌پردازد. روشن است که در این صورت نه شبهه قمار مطرح می‌شود و نه شبهه اکل مال به باطل. از طرف دیگر، انفاق‌های مردم به صورتی که قرآن سفارش کرده با برنامه‌ریزی، بدون منت و آزار و بدون خودنمایی و ریا در اختیار مستحقان واقعی قرار می‌گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بقره (۲) آیه ۲۶۱.
۲. همان، آیه ۲۶۵.
۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴) ج ۲، ص ۳۲۷.
۴. بقره (۲) آیه ۲۶۴.
۵. همان آیه ۲۶۷.
۶. حویزی، تفسیر نورالثقلین (قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۳) ج ۱، ص ۲۸۷.
۷. طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان (بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق) ج ۱ و ۲، ص ۴۹۰.
۸. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ص ۳۳۳.
۹. محسن قرائتی، تفسیر نور (قم انتشارات در راه حق، ۱۳۷۵) ج ۱، ص ۵۳۸.
۱۰. بقره (۲) آیه ۲۷۱.
۱۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ص ۳۱۵.
۱۲. محمدحسین طباطبائی، تفسیرالمیزان (بیروت مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ ق) ج ۲، ص ۴۰۲.
۱۳. طبرسی، همان، ص ۴۹۶.
۱۴. محسن قرائتی، همان، ص ۵۴۳.
۱۵. بقره (۲) آیه ۲۶۲.
۱۶. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ص ۳۱۷ و ۳۱۸.
۱۷. همان، ص ۳۱۸.
۱۸. بقره (۲) آیه ۲۶۳.
۱۹. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ص ۳۳۰.
۲۰. طبرسی، همان، ص ۴۱۴.
۲۱. قبل از انقلاب، بلیط‌هایی به عنوان «بلیط بخت‌آزمایی» منتشر می‌شد، افراد با خرید آن‌ها در قرعه‌کشی شرکت می‌کردند و وجوه جمع‌آوری شده بعد از کسر هزینه‌های مؤسسه‌ناشر بلیط‌های مذکور، با قرعه‌کشی بین افرادی تقسیم می‌شد. این عمل از سوی مراجع وقت، قمار و حرام اعلام شد، بعد از آن مؤسسات مذکور جهت حل مسئله اعلان کردند که بخشی از وجوه جمع‌آوری شده را در امور خیر مصرف می‌کنند و به دنبال آن اسم بلیط‌ها را هم به بلیط‌های اعانه‌ملی تغییر دادند.
۲۲. امام خمینی، توضیح‌المسائل، مسئله ۲۸۷۰.
۲۳. شایان ذکر است پرداخت جوایز از محل بودجه سازمان مربوطه به جای پرداخت از محل درآمد اوراق،

گرچه از جهت فقهی و حقوقی موجب تفاوت شده و شبهه قمار را از بین می برد ولی از جهت بار مالی، برای سازمان تفاوتی ایجاد نمی شود و تنها یک جابه جایی در ردیف های هزینه پیش می آید. در نتیجه این پیشنهاد هزینه جدیدی برای سازمان مربوطه و دولت ایجاد نمی کند، به این معنا که بودجه چنین سازمان هایی که از محرومین و مستمندان حمایت می کنند از دو منبع دولتی و فروش اوراق مذکور تأمین می شود، پس سازمان مربوطه می تواند به جای این که هزینه جوایز را از محل درآمد اوراق بپردازد، از بخش بودجه دولتی بپردازد در نتیجه در جمع بندی تنها یک جابه جایی رخ می دهد و بودجه کل ثابت باقی می ماند.